

برنامه امشب ژابی برای ال کلاسیکو

ضربه آخر

برنابو بعضی شب‌ها نفسش را نگه می‌دارد. صدای هواداران هست، فریادها هست اما میان همه این هیاهو، یک سکوت پنهان حرکت می‌کند. سکوتی که از انتظار می‌آید. انتظاری که نه برای سوت آغاز یا پایان که برای لحظه‌ای است که بازی چهره اصلی خود را نشان بدهد. یکشنبه شب، همین سکوت روی تاق‌های سیمانی موج خواهد زد. بارسا از راه می‌رسد و ژابی آلونسو، آرام و بی‌ادعا، نقشه‌ای در جیب دارد که می‌تواند این ال کلاسیکو را تبدیل به یادآوری تازه‌ای کند؛ یادآوری اینکه فوتبال را گاهی با فکر می‌برند، نه فریاد. اما کل داستان از یک ضربه شروع شده: ضربه‌ای که جود بلینگام مقابل یوونتوس زد. همان توپ برگشتی که او با خونسردی دروازه را نشانه رفت. این فقط گل نبود. باز شدن پنجره‌ای بود که مدت‌ها بسته مانده بود. بلینگام به تمرکز قدیمی خود برگشت. به قدم‌های سبک قبل از مصدومیت شانه. به آن حس ورود بی‌ترس به محوطه. انگار کسی گفت: «حالا وقتشه. نفس بکش».

وقتی بلینگام به ریتیم برگردد، خط حمله مادرید معنای دیگری پیدا می‌کند. اگر تا همین چند هفته پیش امابه مجبور بود به تنهایی با مدافعان دولا به بجنگد، حالا در محاصره هم هست اما نه تنها حضور بلینگام، آن فشار را از روی شانه‌های او برداشت. امابه انگار دوباره آزاد شده تا همان کاری را بکند که همیشه بلد بوده: حمله به قلب دفاع. بردن. تمام کردن. بازی با بارسا همان جایی است که این آزادی معنا پیدا می‌کند. برای امابه، ال کلاسیکو مثل پرونده‌ای نیمه بسته است. بارها به آن ضربه زده. ۱۱ گل در ۸ بازی. مثل اینکه برای او این مسابقه نه فقط یک بازی که یک انبار خشم فروخورده است. او می‌داند. بارسا هم می‌داند. همه می‌دانند. وقتی او توپ را بگیرد و به سمت محوطه حرکت کند، هواسنگین می‌شود. اما ستاره سوم مثل سایه اما سایه‌ای روشن، روی خط کناری حرکت می‌کند. وینیسیوس. شاید گل زده باشد، شاید روی تابلو اسمش کنار عدد صفر بایستد اما فوتبال را همیشه با اعداد توضیح نمی‌دهند. کافی است نگاه کنید به بازی با ختافه. وقتی وارد زمین شد، جریان بازی چرخید. مدافع مستقیمش خسته شد، بعد عوض شد. چند دقیقه بعد خطاها زیاد شد و ۲ اخراج شکل گرفت. اینها گل نیستند اما هر کدامشان قیمت دارد. قیمت همان گلی که امابه زد. مقابل بوهه هم همین بود. آن حرکت، آن درپیل‌ها، آن شوتی که به تیر خورد. توپ برگشت. بلینگام زد. گاهی پاس گل. ضربه‌ای است که تیر را به لوزه می‌اندازد. ژابی این چیزها را می‌شناسد. او وسط زمین زندگی کرده. جایی که تصمیم‌ها نه با کلمه، که با نگاه و زمان‌بندی مشخص می‌شود. او می‌داند کسی ال کلاسیکو را با حرف برنده نمی‌شود. باید لحظه را شناسکار کرد. باید فشار را درست جا گذاشت. نباید اجازه داد حریف حتی یک بار نفس بلند بکشد.

بارسا زخمی است. مصدومیت‌ها، عدم ثبات، ترکیب‌های اجباری. تیمی که آمده دوام بیاورد، نه بجنگد اما خطر همین جاست. طرفی که چیزی برای از دست دادن ندارد، گاهی بیشتر می‌دود. بیشتر گاز می‌گیرد.

اخبار

در خشش پر هام مقصودلو

در مسابقات باشگاه‌های اروپا

دور ششم چهلمین دوره مسابقات قهرمانی باشگاه‌های اروپا با درخشش چندتیم‌چران ایران پایان یافت. به گزارش ایسنا، در این رقابت‌ها که با حضور بیش از ۱۰۰ تیم در رودس یونان در جریان بود، استانبولرگ پر هام مقصودلو با کسب ۵،۴ امتیاز از ۵ بازی خود، ضمن ثبت عملکردی درخششان موفق شد مجدداً از مرز درجه بین الململی ۲۷۰۰ عبور کند. پر هام برای تیمی رومانیایی دست به مهره شده است.

همچنین دیگر استانبولرگ ایران، سینا موحد که برای «ترکیش ایرلاینز» بازی می کند، موفق شد با کسب ۴ امتیاز از ۵ بازی، برای نخستین بار در آستانه عبور از درجه ۲۶۰۰ قرار گیرد.

در گیری خونین در داری تل آویو با ۴۰ زخمی

پلیس در محاصره خشم هواداران

تل آویو، پایتخت آشوب‌زده رژیم صهیونیستی، صحنه‌ای بود که بیشتر به درگیری شهری شباهت داشت تا یک مسابقه ورزشی. داری سسنی میان مکابی و هاپوئل که همواره حساسیت‌زا ست، این‌بار از کنترل خارج و به بحرانی تمام‌عیار تبدیل شد. براساس گزارش رسانه‌های عبری‌زبان، ده‌ها تماشاگر و نیروهای پلیس رژیم در جریان این دیدار زخمی شدند. سایت «وان»، رژیم صهیونیستی اعلام کرد شمار مجروحان این درگیری‌ها به ۴۰ نفر رسیده است. رقمی که ناظران را از بزرگ‌ترین حوادث خشونت‌آمیز تاریخ لیگ فوتبال رژیم صهیونیستی می‌دانند. ماجرا از لحظاتی پیش از شروع مسابقه آغاز شد. گروه‌هایی از هواداران هاپوئل که ساعت‌ها زودتر در ورزشگاه حاضر شده بودند، در واکنش به تحریکات سگ‌های مقابل، اقدام به پرتاب بطری و وسایل آتش‌زا کردند. نیروهای پلیس رژیم وارد عمل شدند اما درگیری‌ها به سرعت گسترش یافت و بخش‌هایی از سکو‌ها به صحنه‌ای شبیه به میدان نبرد تبدیل شد. با شروع بازی، التهاب فروکش نکرد؛ نارنجک‌های دودزا و اشیای فضا را پر کردند و پس از توقف‌های مکرر، داور دستور به لغو مسابقه داد. گزارش‌ها نشان می‌دهد ۱۷ نفر بیش از آغاز دیدار و ۱۵ نفر دیگر در طول بازی مجروح شده‌اند. علاوه بر این، ۸ پلیس صهیونیست نیز بر اثر برخورد سنگ و شیشه آسیب دیدند. مجموع این آمار به ۴۰ مجروح رسید. تصاویر منتشر شده از ورزشگاه نمایی هراس‌آور از فوتبال رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد: تماشاگران مجروح، صندلی‌های شکسته، شعله‌های آتش در سکو‌ها و نیروهای امنیتی که با سیر و باتوم سعی در بازگرداندن نظم دارند. رسانه‌های محلی این رویداد را «شب خونین فوتبال اسرائیل» نامیدند. اکنون لیگ فوتبال رژیم صهیونیستی با بحرانی جدی در زمینه امنی مواجهه است؛ آنچه در تل آویو رخ داد فراتر از تنش‌های مر سوم ورزشی بود و نشان داد فوتبال در سرزمین اشغالی دیگر تنها رقابت داخل میدان نیست، بلکه بازی‌ای از تنش‌ها و خشم‌های اجتماعی گسترده‌ای است که مدت‌ها تابانسته شده و صهیونیست‌های ذاتا وحشی حتی به خود هم رحم نمی‌کنند!

برد مهم هاشمیان در پرسپولیس درست در زمان رفتن

نوش دارو



بود. آبی بود که روی آتش نشست و عجیب آنکه هر ۲ این لیخندها، از دل شهر اصفهان بیرون آمدند. با این همه، داستان وحید در این تیم احتمالاً در آستانه پایان است. نام اوسمار ویرا روز به روز بلندتر شنیده می‌شود. هم مدیران باشگاه و هم کسانی که در اتاق‌های تصمیم‌گیری حرف اول را می‌زنند، ظاهراً تصمیم‌شان را گرفته‌اند. شاید در چند روز آینده صاحب نیمکت تغییر نام دهد و مرد آرام آلمان نشین سال‌های گذشته از قاب کنار زمین برداشته شود. اما چیزی که حالا برای همیشه در ذهن باقی خواهد ماند، نه حرف‌ها و نه جدل‌ها، بلکه تصویری است که نشان می‌دهد یک سرمربی، حتی در سخت‌ترین شرایط هم می‌تواند بازی را بر گرداند. او تیم را در حالی تحویل می‌دهد که فاصله‌اش با صدر جدول فقط ۲ امتیاز است؛ فاصله‌ای که اگر نگاه‌ها عادلانه باشد، بخش مهمی از آن محصول همان تصمیم‌ها و همان لحظات است.

سال قبل، پرسپولیس برابر همین سپاهان و ذوب‌آهن بارها لغزید؛ تحت هدایت چند سرمربی متفاوت، در بازی‌های رفت و برگشت و حتی سوپر جام، چیزی که از بیرون دیده می‌شد، ترجیح محتاطانه در مقابل بازی تهاجمی اصفهانی‌ها بود اما وحید، بدون آنکه شعار بدهد، بر خلاف همین مسیر قدم گذاشت؛ جایی که دیگران عقب نشستند، او جلو رفت. شاید این پایان، آرام و کوتاه باشد. شاید حتی نام او در تاریخ مربیان باشگاه در فصل‌های آینده پورنگ نباشد اما در لحظه‌ای که همه منتظر پایان بازی بودند، علیپور دوباره ظاهر شد؛ یک پرش، یک ضربه سر و گل دوم. کادر فنی و بازیکنان روی خط کنار زمین حلقه زدند و هواداران دوباره توانستند نفس راحتی بکشند.

اما این برد فقط ۳ امتیاز نداشت. این برد، نفس بود. امید

عمری دوباره در آبان درخشید

ذهن او حک شده بود. اما آنچه این گل را تبدیل به قصه می‌کند، تاریخ آن است. آمده بودند. وقتی برگشت، خیلی‌ها فکر می‌کردند عمری فقط برای پر کردن فهرست نیمکت است اما زمان زیادی لازم نبود تا نشان بدهد آنها اشتباه تصور می‌کنند. ۳ بازی، ۱۳۵ تنها ۱۳۵ دقیقه بازی اما همین اندازه کافی بود تا حس کنیم مهره‌ای برگشته که توان ایجاد تفاوت را دارد. در دیدار با ذوب آهن، وقتی توپ را در حوالی قوس محوطه گرفت، نه مکث کرد، نه دنبال پاس بهتر گشت. ضربه زد. دقیق، محکم و تصمیم گرفته. همان تصمیمی که انگار از مدت‌ها قبل در

یک فصل و نیم در ازلی گذشت، بالبلس سفید، بافضای متفاوت با روزهایی که انگار برای ساختن کلاکتوری آرام و محکم در او آمده بودند. وقتی برگشت، خیلی‌ها فکر می‌کردند عمری فقط برای پر کردن فهرست نیمکت است اما زمان زیادی لازم نبود تا نشان بدهد آنها اشتباه تصور می‌کنند. ۳ بازی، ۱۳۵ تنها ۱۳۵ دقیقه بازی اما همین اندازه کافی بود تا حس کنیم مهره‌ای برگشته که توان ایجاد تفاوت را دارد. در دیدار با ذوب آهن، وقتی توپ را در حوالی قوس محوطه گرفت، نه مکث کرد، نه دنبال پاس بهتر گشت. ضربه زد. دقیق، محکم و تصمیم گرفته. همان تصمیمی که انگار از مدت‌ها قبل در

بازگشت بعضی‌ها فقط یک حضور ساده در زمین نیست. گاهی شبیه ورق زدن خاطراتی خاک‌خورده است که ناگهان دوباره زنده می‌شود. بازگشت محمد عمری از همان جنس بود؛ بازگشتی که نه با حرف که با ضربه‌ای تیز و دقیق، خودش را معرفی کرد. ضربه‌ای که توپ را از پشت محوطه بلند کرد و فرستاد به نقطه‌ای که دروازه‌بان فقط توانست نگاهش کند. محمد عمری بعداز جدایی اجباری به خاطر خدمت سربازی، به آغوش تیمی برگشت که هنوز صدای تشویقش را از سکو‌ها می‌شنید. او زمانی پرسپولیس را ترک کرد که اختلافات مدیریتی سایه انداخته بود و راهش را به سمت ملوان کج کرد.

جست‌وجوی چهره‌ای برای معماری آینده پرسپولیس

انتخابی برای یک عصر

ساختن جریان مالی پایدار. باشگاه باید یاد بگیرد از برند خود پول بسازد؛ از آکادمی استعداد تولید کند و به جای پرداخت بی‌محابی قراردادهای سنگین، آینده را مانند یک کارخانه ارزش‌سازی ببیند. این تیم نیازمند نگاهی است که آکادمی را نه یک سالن تمرینی گوشه شهر، بلکه رگ حیات باشگاه ببیند. سال‌هاست ستاره‌ها با از بیرون می‌آیند یا با هزینه گزاف تورم‌زده نگه داشته می‌شوند. در حالی که اگر زمین‌های پرورش وجود داشت پرسپولیس می‌توانست فصل‌ها را به جای خریدهای اضطراری، با محصول دست‌پورده خودش آغاز کند. بنابراین مدیری که به صندلی می‌رسد، باید کسی باشد که به جای افتادن در دام لابی‌های ورزشی، «ساختن»



در ظاهر، نام‌هایی می‌آیند و می‌روند؛ از موقع‌ها تا کسانی که پشت صحنه آرام خود را گرم می‌کنند اما مساله این نیست که چه کسی بپاید؛ این است که چه نوعی از فکر باید روی این صندلی بنشیند. پرسپولیس تنها یک تیم فوتبال نیست، مجموعه‌ای است از تاریخ، افسانه، ریشه و فشار بی‌رحمانه توقع هواداران. کسی که اینجا مدیریت می‌کند، باید اعصاب فولادی داشته باشد و قلبی که با هر فریاد سکو‌ها تلرزد. دیگر دوران مدیریت نمایشی تمام شده. این باشگاه از لحاظ مالی، زمین خورده و دوباره بلند شده، بدهی‌های بی‌پایانی را با هزار وصله و دوخت به جلو هل داده و حالا به نقطه‌ای رسیده که باید درآمد واقعی تولید کند. مدیری که می‌آید باید اقتصاد را بفهمد. نه از جنس شعار و وام گرفتن، بلکه از جنس

آنچه این روزها در قلب باشگاه سرخ‌پوش رخ می‌دهد، چیزی فراتر از یک تغییر ساده روی صندلی مدیریت است. این دوره، دوره عبور از گذشته و نگاه کردن به افق‌هایی است که اگر درست دیده نشود، این کشتی بزرگ دوباره به ساحل آشوب بازخواهد گشت. پرسپولیس در آستانه تصمیمی ایستاده که نه فقط امروز؛ که شاید ۵ سال آینده‌اش را شکل دهد. صندلی هدایت اداری باشگاهی که میلیون‌ها چشم پیرامونش می‌چرخد، نمی‌تواند دوباره محل آزمون و خطای آدم‌هایی باشد که فقط برای عکس گرفتن با پیراهن قرمز آمده‌اند. این باشگاه به کسی نیاز دارد که بلد باشد ستون بسازد، نه فقط پرده تبلیغاتی.



بهراد رشوند

پیروزی بر ذوب آهن در آخرین حضور وحید؟

درویش رفت، پرسپولیس برد!

پرسپولیس‌ها با ۷-۸ نفر درون محوطه ۱۸ قدم خود، به دفاع می‌پرداختند؛ همین استراتژی هاشمیان و بر تعداد دفاع کردن قرمزپوشان باعث ناکامی شاگردان حدادی‌فر در گشودن دروازه نیازمند شد. هاشمیان چنین شیوه‌ای را مقابل سپاهان هم به کار گرفت و موفق به شکست زردپوشان شد. ذوب آهن که نیمه اول را با گل دقیقه ۳۸ محمد عمری یازنده به رختکن رفته بود، در وقت دوم بر بازی سوار شد و در بیشتر لحظات این نیمه حلقه محاصره را بر میزبان تنگ کرد ولی دفاع بر تعداد قرمزپوشان، فرصت خودنمایی چندانی در ۱۸ قدم به آنها نداد. خطر ناک‌ترین فرصت ذوبی‌ها در این نیمه، لرزاندن تیر دروازه نیازمند بود.

میزبان که در نیمه دوم برخلاف نیمه اول عقب‌نشسته بود بیشتر کار را از طریق ضدحمله دنبال می‌کرد. آنها دقیقه ۸۲ با گل علیپور کار را تمام کردند تا رفتن درویش و آخرین بازی احتمالی هاشمیان با یک برد

وحید هاشمیان تا اینجای کار در ۸ بازی تیمش ۲ برد به دست آورده که هر دو برابر تیم‌های اصفهانی بوده است. پرسپولیس پس از شکست سپاهان در اصفهان، این بار ذوب‌آهن را با ۲ گل در تهران مغلوب کرد. هاشمیان در این بازی به شیوه مورد علاقه‌اش روی آورد؛ تسوپ را به حریف داد و فضا را گرفت. پرسپولیس در تقابل با ذوب‌آهن اصفهان به دفاع بر تعداد رو آورد. خط دفاع قرمزپوشان هنگام حملات حریف ۵ نفره می‌شد و هافبک‌ها نیز بخوبی جلوی این خط تجمع می‌کردند. هنگام ارسال‌ها و پرتاب اوت‌های ذوبی‌ها نیز



عبدالله دارابی



جایگاه جدید برای هاشمیان در پرسپولیس

تصمیم نهایی با وحید است!

باشگاه پرسپولیس قصد دارد از وحید هاشمیان در پست جدیدی استفاده کند.

اوسمار ویرا، سرمربی برزیلی، بامداد شنبه با امضای پیش‌قرارداد، هدایت پرسپولیس را برعهده گرفت تا دوران سرمربیگری وحید هاشمیان در جمع سرخپوشان به پایان برسد.

با وجود این تغییر، مدیران باشگاه قصد قطع همکاری با هاشمیان را ندارند و تمایل دارند همچنان از دانش و تجربه او در ساختار مدیریتی باشگاه استفاده کنند.

■ **پیشنندهای روی میز برای نقش جدید**
قرار است به وحید هاشمیان پیشنهاد شود در یکی از سمت‌های مدیریتی مانند مدیر ورزشی یا مدیر استعدادیابی فعالیت خود را ادامه دهد؛ انتخاب نهایی را نیز خود او انجام خواهد داد.
■ **پایان شایعه مدیر ورزشی خارجی؟**
در روزهای گذشته شایعاتی درباره حضور مدیر ورزشی خارجی در پرسپولیس مطرح شده بود اما اکنون باشگاه تلاش دارد هاشمیان را برای پذیرش صندلی مدیریت ورزشی متقاعد کند؛ تصمیمی که می‌تواند یک چرخه جدید مدیریتی را در پرسپولیس شکل دهد.



را بلد باشد. از سوی دیگر، پروژه دیرینه ورزشگاه اختصاصی نباید دوباره تبدیل به شعار شود. این باشگاه اگر نتواند استاندارد خود را داشته باشد، همیشه باید منتظر لطف دیگران بماند. ساخت ورزشگاه نه رؤیا که سنگ‌بنای استقلال مالی است. مدیری که می‌آید، اگر این نقشه را نداشته باشد، تنها یک دوره دیگر به تقویم خطرات نیمه‌کاره اضافه خواهد کرد. پرسپولیس اکنون در بزنگاه است؛ شبیه لحظه‌ای که کشتی در میان به به دنبال فانوس دریایی می‌گردد. اگر انتخاب درست باشد، تورم بحران جای خود را به ثبات خواهد داد. اگر اشتباه شود، دوباره هیاهو، دوباره بدهی، دوباره تغییرات بی‌دریی و دوباره فرسودگی روح باشگاه. این انتخاب دیگر انتخاب یک نام نیست؛ انتخاب جهت است. جهت، آینده را می‌سازد.

شیرین توام شود. در این بازی برای نخستین‌بار هواداران پرسپولیس تعارضی با لیدرهای‌شان در نحوه شعاردهی نداشتند و از این منظر فضای یکپارچهای را پشت سر گذاشتند. حرکت پیمان حدادی، سرپرست مدیرعاملی پرسپولیس، در پایان بازی و بردن هاشمیان به سمت هواداران این تیم، به نوعی زمینه‌چینی برای خداحافظی این مربی قلمداد شد. هرچند سرمربی پرسپولیس چندان با این فرضیه موافق نبود اما اعلان علنی مسئولان پرسپولیس در برنامه فوتبال برتر مبنی بر مذاکره با مربی خارجی و اخباری که از توافق با اوسمار مخابره می‌شود حکایت از پایان کار وحید در روزهای پیش رو می‌دهد. بعید است به خاطر این برد، نظر تصمیم‌گیرندگان این باشگاه تغییر کند. مضاف بر اینکه آنها چنین فرضیه احتملی را تکذیب نکردند.